

اتحادیه پولی شرق آسیا: بسیار فراتر از حرف*

نویسنده: مارک کاستلانو

مترجم: سهیل ایلداری - محقق اداره روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

خلاصه:

طی چند سال گذشته مفهوم "اتحادیه پولی شرق آسیا"^۱ را ساخته و پرداخته پندار و خیال محافل روشنفکری می‌دانستند اما وقوع تغییرات مهم و اساسی در عرصه اقتصاد جهان ما را از تفکرات سنتی در خصوص شکل‌گیری اتحادیه یادشده دور می‌سازد. آهنگ سریع هم‌گرایی منطقه‌ای، تجربیات مربوط به بحران‌های عظیم مالی و پیدایش پول واحد اروپا (یورو) از جمله دلایلی هستند که اندیشه سیاست‌گزاران را به صورت جدی به سمت ایده "اتحادیه پولی شرق آسیا" معطوف داشته است.

* این متن، ترجمه مقاله‌ای است تحت عنوان:

EAST ASIAN MONETARY UNION: MORE THAN JUST TALK?

۱. ASIAN MONETARY UNION

البته به اجرا گذاشتن چنین برنامه‌های پرطمطراق و باشکوه نیازمند پیش نیازها و مفروضات مستدلی است و زمان مناسب و تلاش‌های فراوانی را می‌طلبد. تفاوت‌های چشمگیر اقتصاد کشورهای منطقه شرق آسیا و موانع سیاسی موجود به وضوح، بازدارنده محسوب می‌شوند اما شرق آسیا با سرعت بیشتری در حال رشد است. علاوه بر این، یک اتحادیه پولی آسیایی می‌تواند از گرایش جهانی به سمت و سوی پول‌های کمتر (در نتیجه ادغام) و نیز رضایت و اشتیاق منطقه برای کسب قدرت و ثبات اقتصادی بیشتر بهره گیرد.

در درجه اول ممکن است کشورهای منطقه بر پایه مشابهت‌هایشان و نیز گسترش مناسبات و همکاری‌ها و بر اساس شالوده‌ای مبتنی بر "اتحادیه پولی منطقه‌ای آینده"^۱ دوره هم جمع شوند ولی در تدوین یک برنامه کلان باید به پیش نیازهای لازم برای هم‌گرایی و نیز مهلت زمانی (ضرب الاجل) توجه کرد اما هنوز پیشرفت اندکی در این زمینه به چشم می‌آید و احتمالاً^۲ به جز تلاش‌هایی که می‌تواند نیروهای اقتصادی و سیاسی قوی منطقه را با یکدیگر متحد سازد، پیشرفت چندانی دیده نمی‌شود.

کاندیدای منطقی برای ایفای این نقش، ژاپن است که به طور سنتی موتور محرکه رشد اقتصادی شرق آسیا به حساب می‌آید. به هر حال هدف از ایجاد یک "بلوک ین"^۳ واقع گرایانه نیست زیرا اقتصاد این منطقه برای اکثر معاملات خود و در عرصه بین‌المللی به دلار متکی است و این وضع برای ژاپن و سایر کشورهای شرق آسیا که در مبادلات خود بیشتر از ین استفاده می‌کنند، می‌تواند مشکل آفرین و پرمخاطره باشد. علاوه بر این، از آنجایی که بسیاری از کشورهای شرق آسیا قربانی تعرض و ستیزه‌جویی ژاپن به هنگام وقوع جنگ جهانی دوم بوده‌اند، نسبت به هرگونه تسلط و برتری جویی ژاپنی‌ها بر اقتصاد و سیاست منطقه حساسیت وجود دارد.

ایده‌های قدیمی، بافتی نوین:

علیرغم این واقعیت که انواع مختلفی از اتحادیه‌های پولی در طول تاریخ معاصر شکل گرفته‌اند، بحث از شکل‌گیری چنین ترتیباتی در منطقه شرق آسیا به طور نسبی امری بدیع و تازه تلقی می‌شود.

در سال ۱۹۸۹ و به دنبال شکل‌گیری "اجلاس همکاری‌های اقتصادی آسیا و اقیانوسیه"^۱ علاقمندی به این ایده به طور چشم‌گیری تشدید شد. به طوری که در کمیته فرعی "اپک"^۲ نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفت.

در سال ۱۹۹۱ بنا به درخواست بانک مرکزی ژاپن و گروهی منشکل از ۱۱ بانک مرکزی کشورهای منطقه مقرر گردید جریان هم‌گرایی اقتصادی منطقه شتاب بیشتری به خود گیرد. مقامات اجرایی بانک‌های مرکزی شرق آسیا "EMEAP"^۳ در گردهمایی نخست خود در درجه اول بر مبادله اطلاعات توجه و تاکید داشتند اما به تدریج آنان نیز به همکاری‌های پولی توجه بیشتری معطوف نمودند.

اگرچه اپک و EMEAP اشتها یافته‌اند که این دو سازمان، بذرهای "اتحادیه پولی شرق آسیا" را کاشته‌اند ولی بحث درباره این مسئله تا اواخر دهه ۱۹۹۰ به طور جدی مورد توجه قرار نگرفت. در آن زمان، بعد از وقوع یک سری رشد و توسعه کلان، رهبران مالی به فکر اتخاذ تدابیری در جهت نیل به یکپارچگی اقتصادی افتادند و مجدداً به طور کامل بحث و بررسی در خصوص این مسئله مورد توجه قرار گرفت. این وقایع عبارتند از:

۱. ASIAN - PACIFIC COOPERATION FORUM
۲. ASIAN - PACIFIC ECONOMIC COOPERATIONS (APEC)
۳. EXECUTIVES MEETING OF EAST ASIA-PACIFIC (EMEAP)

آثار خانمان سوز بحران اقتصادی شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ رخ نمود، کاهش برابری "بات تایلند"^۱، بحران مالی جهان و تاخیر در بازپرداخت بدهی‌های روسیه در سال ۱۹۹۸. موجب گردید بر بنیان‌های سیستم پولی بین‌المللی آسیب‌های جدی وارد آید. در نتیجه، بحث در مورد پایه‌های اولیه آنچه که "معماری امور مالی جهان" نامیده می‌شود، برای مدتی متوقف گردید زیرا یک دلیل مهم ارایه شده بود مبنی بر این‌که نوسان ارزها ریشه اساسی این بحران است. حوزه‌ای از بحث در خصوص سیاست بین‌المللی بر این موضوع مناقشه برانگیز تمرکز داشت که چگونه یک رژیم ارزی مناسب و درخوری را تعیین نمایند.

سیستم‌های انعطاف ناپذیر اقتصادی به دلیل تقبیح انجام اصلاحات ساختاری در ایجاد تغییرات سریع در دنیای اقتصاد ناکام ماندند و جانشینان متعارف "نظام ارزی شناور کامل"^۲ و "سیستم‌های نرخ ارز"^۳ و یا دیگر روش‌ها هم در مواجهه با مشکلات ایمن و مصون نبودند. از این‌رو، سیاست‌گذارانی که مشتاق ثبات بودند به طور جدی شروع به آزمون نظریه‌های معین و یا فوق‌العاده‌ای نمودند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به ایجاد اتحادیه پولی اشاره کرد.

دومین عاملی که به بحث و بررسی پیرامون اتحادیه پولی شرق آسیا شدت و تحرک بیشتری بخشید، شکل‌گیری "اتحادیه پولی اروپا"^۴ بود و در ژانویه سال ۱۹۹۹ یازده کشور عضو اتحادیه اروپا، پول‌های ملی خود را به نفع پول واحد جدید - یورو - کنار گذاشتند. بدبینان معتقدند پیمانی همچون "پیمان ماستریخت"^۵ هرگز نمی‌تواند بار دیگر محقق شود مگر آن‌که تمامی شرایط لازمه‌اش فراهم گردد. به هر حال، اینک چند سال از شکل‌گیری

-
۱. THAI BAHT
 ۲. PURE OR MANAGED FLOATING REGIMES
 ۳. EXCHANGE RATE SYSTEMS
 ۴. EUROPEAN MONETARY UNION
 ۵. MAASTRICHT TREATY

اتحادیه پولی اروپا می‌گذرد و به نظر می‌رسد این اقدام با موفقیت به مقصد رسیده است. علاوه بر این، پول واحد اروپا در حال به دست آوردن مزایایی است که در بدو امر آنها را وعده داده بود. بازارهای اوراق بهادار و بانک‌های اروپایی در یکدیگر ادغام شدند و این امر موجب گردید تجارت و بازرگانی فزونی یافته و در مناطقی که ادغام صورت گرفته بود، این موسسات بسیار بهتر به فعالیت بپردازند. تاسیس اتحادیه پولی اروپا ثابت نمود که تحت شرایط مناسب، شکل‌گیری چنین نظامی نه تنها مقدور بلکه عملی هم هست. پس به دنبال موفقیت‌های اخیر اتحادیه پولی اروپا، آیا اکنون وقت آن فرا نرسیده که ایجاد "اتحادیه پولی آسیا" هم مورد توجه قرار گیرد؟

البته فراهم نمودن شاخص‌های مورد نیاز برای نیل به هم‌گرایی سیاسی و اقتصادی از ضروریات و پیش‌نیازهای اولیه و اساسی شکل‌گیری اتحادیه پولی محسوب می‌شود. براساس مطالعات و ارزیابی‌های انجام شده، اروپاییان در بسیاری از زمینه‌ها بر سایر ملل پیشی گرفته‌اند لیکن نباید از نظر دور داشت که کشورهای حوزه شرق آسیا نیز با سرعت قابل‌ملاحظه‌ای در حال پیشرفت می‌باشند.

روابط منطقه‌ای - از لحاظ الگوهای مبادله، جریان سرمایه‌گذاری و ترتیبات سیاسی - به ویژه در منطقه جنوب شرقی آسیا رشد چشم‌گیری کرده است و عمق پیوستگی منطقه‌ای در جریان بحران اقتصادی و مالی سال ۱۹۹۷ آسیا قابل توجه بود. اکنون خوب یا بد، کشورهای شرق آسیا بسیار به یکدیگر وابسته شده‌اند. این همبستگی و یکپارچگی جدید را باید در تحقق آرمان‌هایی جستجو نمود که در ابتدای کار بسیار بعید و دست نیافتنی می‌نمود و لیکن اینک جامه تحقق پوشیده است.

دبیر کل اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا «رودلف. سی. سورینو»^۱ در اگوست سال ۱۹۹۹ نتیجه گیری کرد که علت درجه بالای هم گرایی اقتصادی این کشورها را باید در نیل به آرمان پول واحد اتحادیه «آسه آن»^۲ جستجو کرد که شبیه یک اتحادیه گمرکی یا بازار مشترک می باشد. به نظر می رسد چندین کشور پیشرو دیگر در شرق آسیا که طی سالیان اخیر هم گرایی اقتصادی عمیقی داشته و از نظریه اتحادیه پولی جانبداری می کنند، نیز با آن موافق باشند. شماری از سیاست گزاران اصلی در ژاپن و تایوان خواستار شکل گیری یک پول مشترک در شرق آسیا هستند. قبل از ژانویه سال ۱۹۹۹ و به جریان افتادن یورو، مدیر ارشد اجرایی «مقامات پولی هنگ کنگ»^۳ «جوزف یام»^۴ توجه عموم را به اتحادیه پولی آسیا معطوف داشت و به طور رسمی و برای اولین بار این موضوع را در دستور کار اجلاس منطقه قرار داد. در اکتبر سال ۱۹۹۹ وزیر دارایی هنگ کنگ «دونالد تسانگ»^۵ ایجاد یک ارتباط اقتصادی میان هنگ کنگ و سنگاپور را مورد مطالعه و بررسی قرار داد. بدین ترتیب او آرزوی دیرین خود را مبنی بر ادغام پول های ملی و شکل گیری پول واحد آسیایی اعلام نمود. وی پیشنهاد نمود جهت آمادگی بیشتر برای مقابله با چالش های نوین جهانی، سنگاپور و هنگ کنگ حرکت به سمت ایجاد یک پول مشترک را مورد توجه قرار دهند به طوری که حتی بتوان در آینده این پول را در سرتاسر آسیا نیز مورد استفاده قرار داد. یک ماه بعد، رئیس جمهور وقت فیلیپین - ژوزف استرادا - اجلاس سالانه «آسه آن» را افتتاح کرد و خواستار آن شد تا ۱۰ کشور عضو اتحادیه جهت ایجاد بازار مشترک آسیای شرقی و پول واحد منطقه ای گام بردارند.

۱. RODOLFO.C. SEVERINO

۲. ASEAN CURRENCY

۳. HONGKONG MONETARY AUTHORITY

۴. JOSEPH YAM

۵. DONALD TSANG

علاوه بر این، نشانه‌های علاقه‌مندی منطقه شرق آسیا به ایجاد یک پول واحد در خلال بیانیه‌های سیاسی نیز خود را آشکار نمود و در سایر گردهمایی‌های منطقه نیز مطرح گردید. «برنامه اقدام هانوی»^۱ که توسط اتحادیه کشورهای «آسه‌آن» و در دسامبر سال ۱۹۹۸ منتشر شد، خواستار انجام بررسی پیرامون ایجاد پول واحد آسیایی و رژیم ارزی مربوطه شد. در ژوئن ۱۹۹۹ و در «پنجمین کنفرانس بین‌المللی در خصوص آینده آسیا» که با حمایت «تی‌هون‌کیزای شیمبون»^۲ روزنامه پیشروی ژاپنی برگزار شد، نیز نخست‌وزیر مالزی ماهاتیر محمد و آقای استرادا رییس جمهور فیلیپین خواستار هم‌گرایی اقتصادی منطقه شدند و به شکل‌گیری یک بلوک‌بندی پول واحد منطقه‌ای اشاره نمودند. مالزی نیز بعداً میزبانی اجلاسی در خصوص اتحادیه پول شرق آسیا را به عهده گرفت که خود انگیزه‌ای شد تا هیاتی از کارشناسان صندوق بین‌المللی پول مطالعه و بررسی در این زمینه را آغاز نمایند.

هنوز راه درازی در پیش است:

با در نظر گرفتن تمام جوانب، به نظر می‌رسد شرایط برای شکل‌گیری اتحادیه پولی آسیا مناسب باشد. اما نباید از خاطر دور نمود که یک تحلیل شتاب‌زده و سریع می‌تواند به نتیجه‌گیری نادرستی ختم شود. در واقع، قبل از این‌که اتحادیه پولی شرق آسیا پایه‌ریزی گردد، موانع مهم ذیل باید از سر راه برداشته شوند:

نخست آن‌که تفاوت و ناهمگونی اقتصادی در منطقه بسیار زیاد است به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۹ رشد نرخ بهره در اندونزی نزدیک به صفر بود در حالی که این میزان در کره جنوبی دو رقمی بود. (به جدول صفحه بعد رجوع شود.) اختلاف سطوح درآمد سرانه در طیف وسیع‌تری به چشم می‌خورد مثلاً^۳ در حالی که این رقم در سنگاپور ۳۲۸۱۰ دلار آمریکا

۱. HANOI PLAN AT ACTION

۲. NIHON KEIZAI SHIMBUN

بود در کشور ویتنام این رقم معادل ۳۳۵ دلار می‌باشد. در سطح بدهی‌های دولت، تراز حساب جاری و نرخ‌های بهره کشورهای منطقه نیز می‌توان به تفاوت‌های آشکاری اشاره کرد. از سوی دیگر در سطح منطقه، نظام‌های اقتصادی متفاوتی نیز به چشم می‌خورد که می‌توان آنها را در مقولاتی همچون: سرمایه‌داری مبتنی بر بازار آزاد و سوسیالیسم مبتنی بر کنترل دولتی طبقه بندی کرد که شدیداً با یکدیگر متفاوتند.

سرانجام آن که حجم کل تولیدات منطقه به نحو بارزی نامتعادل است به طور مطلق می‌توان گفت: اقتصاد ژاپن بسیار بزرگتر از اقتصاد سایر کشورهای شرق آسیا است که قصد یکپارچگی با یکدیگر را در سر می‌پروراند.

رشد واقعی و درآمد سرانه در شرق آسیا طی سال ۱۹۹۹

اسامی کشورها	درصد رشد	درآمد سرانه (دلار)
چین	۷/۱	۸۶۰
هنگ کنگ	۲/۲	۲۵،۲۰۰
اندونزی	-۱/۲	۱،۱۱۰
ژاپن	۰/۱۶	۲۸،۱۶۰
مالزی	۵/۰	۴،۵۳۰
فیلیپین	۳/۰	۱،۲۰۰
سنگاپور	۵/۶	۳۲،۸۱۰
کره جنوبی	۱۰/۰	۱،۵۵۰
تایوان	۵/۴	۱۳،۰۶۰
تایلند	۴/۵	۲،۷۴۰
ویتنام	۵/۳	۳۳۵

منبع: رشد نرخ بهره (گلنمن ساکس) - درآمد سرانه (دبیرخانه اتحادیه همکاری‌های اقتصادی

آسیا - اقیانوسیه)

از سوی دیگر، موانع سیاسی حتی می‌توانند عظیم‌تر نیز باشند. چرا که سران بسیاری از کشورها تمایلی به حاکمیت قوانین فراملیتی ندارند. به ویژه هنگامی که حکومت در کشوری جنبه "موروثی"^۱ داشته باشد و از داخل نیز با برخی از مشکلات و تهدیدات دست و پنجه نرم نماید. محدودیت دیگر از یک واقعیت ساده سرچشمه می‌گیرد که بسیاری از کشورها ممکن است قصد نداشته باشند پول واحدی را بپذیرند که حامل یک نماد (سمبل) خارجی باشد به ویژه هنگامی که شهروندان به این مسئله خو گرفته باشند که تصاویر قهرمانان ملی یا پادشاهان خود را بر روی اسکناس‌ها یا سکه‌های رایج کشورشان ببینند. علاوه بر این، متعاقب وقایع جنگ جهانی دوم همچنان نوعی بی‌اعتمادی و احساس تنفر شدید بین ژاپنی‌ها و بسیاری دیگر از همسایگانش قابل رویت است. مناقشه‌های حل نشده و طیف وسیعی از ادعاهای ارضی در خصوص "جزایر اسپراتلی"^۲ و نیز تداوم کشمکش‌ها مابین جمهوری خلق چین و تایوان مجموعاً به ثمر نشستن تلاش‌های هم‌گرایی را خنثی می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد که هیچ قدرت منطقه‌ای جدیدی خلق نخواهد شد. بدون وجود یک رهبر قدرتمند و یا درجه بالایی از اعتماد، شکل‌گیری اتحادیه پولی آسیا امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد. در حال حاضر، علایم موجود حاکی از آن است که بحث پیرامون اتحادیه پولی آسیا بسیار زود هنگام است. مقامات هنگ‌کنگ در اکتبر سال ۱۹۹۹ آقای تسانگ را مجبور ساختند تا از تعهداتش در خصوص سرمایه‌گذاری مخاطره آمیز (معاملات سفته‌بازی و سهام) دست بردارد و رژیم ارزی این کشور را که به مدت ۱۷ سال به دلار آمریکا وابسته بود، ملغی سازد. اینک با درنظر گرفتن جمیع جوانب باید گفت: "ایده پول واحد آسیایی اغراق آمیز به نظر می‌رسد." آقای یام که روزگاری از مفهوم اتحادیه پولی آسیایی حمایت و جانبداری

۱. OLIGARCHY

۲. SPRATLY ISLANDS

می‌کرد، اینک لحن صدای خود را تغییر داده تا اطمینان مجددی به سرمایه‌گذاران دهد مبنی بر این‌که ثبات مالی این کشور در معرض خطر قرار ندارد.

نه چندان اغراق آمیز:

بحران مالی شرق آسیا درس‌های آموزنده فراوانی را برای کشورهای این منطقه دریی‌داشت که از آشفتگی و نابسامانی اوضاع احساس خستگی و دل‌زدگی می‌کردند. رهبران کشورهای آسیب دیده از بحران با نگرانی از بابت تکرار اشتباهات مشابه، در پی شناخت دلایل عمده و اصلی وقوع بحران بودند. وابستگی زیاد به دلار آمریکا و وجود رژیم‌های ارزی ناکارآمد به لحاظ ساختاری از دلایل اصلی وقوع بحران مالی در شرق آسیا عنوان شده است. بدین ترتیب رهبران این کشورها به این نتیجه رسیدند که ثبات پول ملی اصلی‌ترین عامل در جهت پرهیز از بحران‌های مالی است. لیکن با توجه به این‌که استفاده از روش‌های سنتی ماهیتاً موجب بروز مشکل خواهند شد، رسیدن به این توازن آسان نخواهد بود. در شرایطی که افزایش انعطاف‌پذیری نظام‌های نرخ ارز، کاهش نوسانات پولی رایج را تضمین نمی‌نماید، کنترل جریان سرمایه می‌تواند به فرار سرمایه‌های خارجی منجر شود. بنابراین و به همین علت ایجاد اتحادیه‌های پولی به عنوان راه حل مناسبی جهت اجتناب از این مشکل و بروز مجدد بحران‌های مالی مشابه آنچه در سال‌های ۱۹۹۷ الی ۱۹۹۹ رخ داد مقبولیت ویژه‌ای یافت.

شرق آسیا از چندین کشور کوچک تشکیل شده است و هر یک از آنان به آسانی می‌تواند به واسطه فشار اقتصاد جهانی مضمحل شده و از پای درآید. زیرا جریانات سرمایه در سرتاسر این کشورها با حجم و سرعت فوق‌العاده‌ای صورت می‌گیرد و هرگونه دگرگونی غیرمنتظره و ایجاد حساسیت در بازار می‌تواند بنیان اقتصادهای کوچک منطقه را ویران سازد. علاوه بر این براساس اظهارات آقای تسانگ نگهداری بسیاری از ارزهای معتبر و قدرتمند در منطقه "دستورالعملی برای ثبات تلقی می‌شود." وجود یک اتحادیه پولی در

شرق آسیا به طرز چشم‌گیری آسیب‌پذیری کشورهای شرق آسیا را در مقابل حملات سوداگرانه (سفته‌بازان و بورس‌بازان) تقلیل خواهد داد. حصول چنین قدرتی در سطحی وسیع به نفع "دولت - شهر"هایی همچون هنگ‌کنگ، سنگاپور و سایر قدرتهای کوچک منطقه‌ای همچون برونئی خواهد بود.

علاوه بر این، اتحادیه پولی از چندین جاذبه دیگر برخوردار است. نخست آن‌که شکل‌گیری چنین اتحادیه‌ای می‌تواند حذف مبادلات ارزی را به دنبال داشته باشد. این امر، شرکت‌ها را قادر خواهد ساخت به شکل بسیار کاراتری در صحنه تجارت و بازرگانی فعالیت نمایند. بعلاوه شفافیت قیمت‌های منطقه، خود می‌تواند انگیزه مناسبی در جهت رقابت باشد که از پی‌آمدهای آن، افزایش بهره‌وری است. از همه مهم‌تر این‌که سهولت و ثبات می‌تواند موجبات گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری را در منطقه فراهم آورد و صنعت توریسم نیز که در اقتصاد بسیاری از کشورهای شرق آسیا جایگاه ویژه‌ای دارد، با رشد قابل توجهی مواجه خواهد شد.

هم‌گرایی اقتصادی نیز روند دیگری است که نهایتاً موجب خواهد شد شرق آسیا قادر شود تشکیل اتحادیه پولی را به شکلی عملی و قابل اجرا دنبال نماید. در نخستین سال‌های دهه ۱۹۹۰ تجارت درون منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به طرز چشم‌گیری افزایش یافت. این الگو در طول سال‌های میانی دهه ۹۰ نیز ادامه یافت به طوری که سهم صادرات این کشورها در درون منطقه به ۴۷/۷ درصد در سال ۱۹۹۶ رسید که از رقم ۳۰/۹ درصد سال ۱۹۸۶ بالاتر است.

طی سال‌های اخیر، روابط سیاسی و اقتصادی دو یا چندجانبه در منطقه رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد. به عنوان مثال: «آسه‌آن» یک منطقه تجارت آزاد ایجاد نموده و به

دنبال حذف موانع تجاری در بین کشورهای موسس اتحادیه (اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و برونئی) می‌باشد. از سوی دیگر، تدوین موافقت‌نامه‌ای که سرمایه‌گذاری در کالاهای صنعتی در سرتاسر منطقه تسهیل می‌نماید نیز تحت بررسی دارد. شمار دیگری از کشورها هم در حال بررسی ایجاد یک منطقه آزاد تجاری هستند که در صورت تحقق می‌تواند گام بزرگی در جهت شکل‌گیری یک هم‌گرایی اقتصادی باشد. به عنوان مثال: ژاپن با کره جنوبی و سنگاپور در حال مذاکره است و کره جنوبی نیز امکان برقراری همکاری‌های دوجانبه با چین و کشورهای عضو «آسه‌آن» را در دست مطالعه و بررسی دارد.

فشارهای جهانی می‌تواند بر توسعه و گسترش اتحادیه پولی شرق آسیا تاثیر گذار باشد. در حقیقت، اکنون بلوک‌بندی پول‌های رایج در حال تبدیل شدن به یک "مد" است. یورو در حال شکوفایی است و اتحادیه پولی اروپا به سرعت در حال افزودن شمار اعضایش می‌باشد. از آنجایی که بسیاری از تلاش‌های اقتصادی در شمال و جنوب قاره آمریکا بر حول محور دلار آمریکا می‌چرخد، چندین کشور در حال توسعه آمریکای لاتین که از درجه ثبات پایینی برخوردارند، فعالانه در حال بحث و بررسی پیرامون اتخاذ دلار به عنوان پول ملی خود هستند و "برنامه دلاری‌شدن"^۱ در آرژانتین، السالوادور و اکوادور پیشنهاد شده و حتی مکزیک نیز مجذوب آن شده است که البته بحث و کشمکش‌ها به‌طور جدی پیرامون این مسئله وجود دارد.

به طور خلاصه، اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند روند «منطقه‌گرایی»^۲ رو به رشد بوده و بلوک‌های پولی نیز به تبع آن در حال شکل‌گیری می‌باشند. بر مبنای گفته برنده نامدار جایزه نوبل اقتصاد، رابرت ماندل:

۱. DOLLARIZATION PLAN
۲. REGIONALISM

«به نظر می‌رسد که پیروی از تجربه اروپاییان برای سایر ملل و نه تنها آسیا غیر قابل اجتناب باشد. چرا که به دنبال فروپاشی نظام پولی بین‌المللی و ایجاد ترتیبات جدید پولی منطقه‌ای، جایگزین جدیدی برای آن به وجود خواهد آمد.»

«میشل کامدسو»^۱ رییس سابق صندوق بین‌المللی پول با این عقیده موافق است که:
 «در بلند مدت ما به سمت دنیایی حرکت می‌کنیم که در آن شاهد تعداد کمتری از پول‌های رایج باشیم.»

البته منتقدان به درستی شرق آسیا را متهم می‌کنند که این منطقه فاقد شرایط زیربنایی مورد نیاز برای شکل‌گیری اتحادیه پولی است اما به هر حال، مهم است به انگیزه‌هایی که آنان را به سمت این مهم سوق می‌دهد، توجه نماییم.

حامیان این اندیشه بر این عقیده‌اند که شکل‌گیری اتحادیه پولی در کوتاه مدت غیرممکن است اما ایجاد آن در بلندمدت غیرمحمتمل نیست و به منظور فهمیدن و درک این هدف در آینده، رهبران این کشورها باید در حال حاضر خود را برای انجام کارهای زیربنایی مهیا سازند. هنگامی که بحث از شکل پول واحد اروپایی به میان آمد، شکاف بین کشورهای اروپایی هم به طور قابل ملاحظه‌ای زیاد بود بنابراین تلاش در جهت تحقق چنین برنامه‌های بلند پروازانه‌ای برای آینده شرق آسیا هم اینک چندان رویایی به نظر نمی‌رسد.

نخستین گام‌های احتمالی:

اگر بین دو عبارت زیر که بسیار به هم نزدیکند و مترادف یکدیگر به کار می‌روند، تمایز قایل شویم در درک مسئله به ما کمک زیادی خواهد کرد: «پول واحد»^۲ و «اتحادیه پولی»^۳. تفاوت بین این دو واژه از آنجا ناشی می‌شود که اولی بسیار پیشرفته‌تر از مفهوم دومی است.

۱. MICHEL CAMDESSU
 ۲. COMMON CURRENCY
 ۳. MONETARY UNION

به بیان دقیق‌تر، یک یا چند کشور، در حالی که در خصوص ثابت کردن نرخ‌های بهره توافق دارند، یک اتحادیه پولی را بنیان می‌نهند. چنین ترتیباتی نشان از برداشتن نخستین گام‌ها به سمت یک پول واحد است و نشان از یک روابط اقتصادی منسجم‌تر دارد که بر اساس آن کشورهای بیشتری بتوانند واحد پولی مشترکی را برای خود برگزینند. در حال حاضر تلاش‌ها در منطقه شرق آسیا بر تاسیس و شکل‌گیری یک اتحادیه پولی تمرکز یافته است چرا که این امر، پیش‌زمینه و مقدمه‌ای برای ایجاد یک پول واحد تلقی می‌شود و هدف نهایی، راه‌اندازی پول واحد است.

بحث و بررسی در خصوص موضوعاتی که با اتحادیه پولی مرتبط هستند، به طور سنتی حول مفهوم "مساعده‌ترین حوزه‌های پولی"^۱ دور می‌زند و نظریه ای است که مقتضیات و شرایط اقتصادی موثر در شکل‌گیری چنین ترتیباتی را مورد شناسایی قرار می‌دهد. به عنوان مثال کشورهایی که از لحاظ جغرافیایی کوچکند و درهایشان بر روی تجارت باز است، ممکن است از پیوستن به اتحادیه پولی حمایت کنند. سایر عناصر مهم یک حوزه پولی مناسب شامل تغییرات گسترده‌ای است که بر روی هر کشور تاثیر متفاوتی بر جای می‌گذارد.

آیا چنین شرایطی در هر کجای آسیا وجود دارد؟ پاسخ کوتاه به این سؤال «منفی» است اما تعداد کمی از مناطق از توان بالقوه مناسبی در این خصوص برخوردارند. در یک مقیاس دقیق‌تر سه نوع اتحادیه پولی ممکن است در بین کشورهای «آسه‌آن»، چین بزرگ (شامل: سرزمین اصلی چین، تایوان و هنگ‌کنگ) و ژاپن و کره جنوبی شکل گیرد.

اکنون کشورهای عضو «آسه‌آن» با سرعت هر چه تمام‌تر به سمت هم‌گرایی اقتصادی در حال حرکتند. در خلال دهه گذشته، حجم تجارت بین‌المللی به طور پیوسته در حال افزایش بوده و سطح جدیدی از همکاری به عنوان محرکی برای چیره شدن بر بحران مالی

مطرح شده است، در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ گروه کشورهای «آسه‌آن» یک سری برنامه‌ها را به منظور پیشبرد ادغام اقتصادی تدوین نمودند. به طوری که براساس دستور کار تعیین شده شماری از اهداف نیز در شرف تحقق‌اند. به عنوان مثال بخش مربوط به توافقنامه تجارت آزاد یکسال قبل از شکل‌گیری «آسه‌آن» تاثیرگذار شده بود. توافقنامه مربوط به سرمایه‌گذاری، دیگر ابتکار عمده‌ای است که باید از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ به مرحله اجرا گذاشته شود.

گرچه تسهیلاتی در مرزهای مشترک کشورهای عضو «آسه‌آن» برقرار شده ولی موانع اساسی در سر راه شکل‌گیری اتحادیه پولی شرق آسیا همچنان به قوت خود باقی است. ساختار کشورهایی که جدیداً به عضویت «آسه‌آن» درآمده اند - کامبوج، لایوس، میانمار (برمه سابق) و ویتنام - به طور کلی با ساختار کشورهای اصلی و بنیانگذار این اتحادیه متفاوت است. به طور نسبی، کشورهایی که اخیراً به عضویت اتحادیه «آسه‌آن» درآمده‌اند، در مرحله گذار اقتصادی بوده و در مقابل اصلاحات و یکپارچگی با سایر کشورهای «آسه‌آن» شدیداً مقاومت می‌کنند و در واقع، پیرو و دنباله‌روی اقتصادهای به اصطلاح توسعه یافته‌اند. علاوه بر این، تاکید اعضای جدید بر صیانت از حاکمیت ملی و عدم مداخله خارجی، تلاش‌های مربوط به یکپارچگی را با دشواری مواجه می‌سازد. بنابراین، تمامی کشورهای «آسه‌آن» قادر نیستند درک یکسانی از سطوح بالای همکاری‌های متقابل داشته باشند که برای شکل‌گیری اتحادیه پولی به آن نیاز هست.

به جای برقراری ترتیباتی که در سطح وسیع و در قاره آسیا قابل قبول است به نظر می‌رسد بهترین گزینه ایجاد ترتیبات بین کشورهایی باشد که بیشترین مشابهت‌ها را با هم دارند. به عنوان مثال، در حال حاضر برونی واحد پول ملی خود را به دلار سنگاپور وابسته نموده است سایر کشورها نیز می‌توانند تمهیداتی بیندیشند که در سایه آن پول ملی شان

قابلیت مبادله در سایر کشورهای اتحادیه را داشته باشد. صرف نظر از مسئله هم‌جواری، ایجاد پیمان‌های الحاقی و متممی نیز می‌تواند بین کشورهای اتحادیه برقرار شود. این امر موجبات تعدیل نرخ ارز را فراهم خواهد آورد. تحلیل‌گران معتقدند به احتمال زیاد، سایر کشورهای آسیایی نیز می‌توانند همانند برونئی و سنگاپور خود را با ترتیبات جدید هماهنگ سازند.

نوع دیگری از اتحادیه پولی می‌تواند در سطح چین بزرگ شکل گیرد. به نظر می‌رسد زمانی که پیوندهای اقتصادی و سیاسی مابین سرزمین اصلی، هنگ‌کنگ و تایوان از غنا و عمق بیشتری برخوردار شود، پیش زمینه‌های لازم برای تحقق آن نیز می‌تواند فراهم آید. از لحاظ سیاسی نیز این سه منطقه، هرکدام دارای هویت مشخص و جداگانه‌ای هستند. پکن ادعا می‌کند تایوان یک استان متمدن می‌باشد و آن کشور را به اشغال نظامی تهدید نیز کرده است. از سوی دیگر، گرچه هنگ‌کنگ به طور رسمی بخشی از چین محسوب می‌شود ولی این دولت شهر ترتیبات پولی خود را حفظ کرده است. علاوه بر این، گسترش "کلان شهرها" به همراه ترتیبات خاص خود و آزادی‌های بیشتر این امکان را به کشور چین می‌دهد تا در نقش یک دولت بزرگ خود را مطرح نماید. با وجود تمامی تنگناهای پیش‌روی که امری طبیعی نیز هستند، یکپارچگی سه اقتصاد یادشده زیر لوای یک نیروی نظامی و اتحادیه پولی امری آسان و تقریباً طبیعی‌ترین گام هم محسوب می‌شود.

سومین ترتیبات برای هم‌گرایی منطقه‌ای مربوط به ژاپن و کره جنوبی می‌باشد. این دو کشور اخیراً از مجاورت جغرافیایی یکدیگر بسیار منتفع گردیده و از پیشرفت‌های چشم‌گیری در زمینه بسط و گسترش مناسبات و پیوندهای اقتصادی دوجانبه برخوردار بوده‌اند به طوری که موانع تجاری و تنش‌های فرهنگی بین دو کشور نیز مرتفع شده است.

در حال حاضر، بحث‌های دوجانبه‌ای در خصوص ایجاد هماهنگی‌های لازم برای توافقنامه سرمایه‌گذاری‌های مشترک و ایجاد منطقه تجارت آزاد در جریان است. به هر حال، گرچه ژاپن و کره جنوبی در بسیاری از زمینه‌ها به یکدیگر نزدیک شده‌اند، ولی شکل‌گیری اتحادیه پولی هنوز راه درازی را در پیش دارد. با وجود مشابهت‌های اقتصادی فراوانی که دو کشور همسایه با یکدیگر دارند و با توجه به این که سایر کشورهای منطقه نیز به شدت در زمینه هم‌گرایی مناسبات بازرگانی همکاری می‌کنند، ایجاد یک اتحادیه پولی در آینده نزدیک چندان دور از دسترس به نظر نمی‌رسد.

این سناریوها به احتمال زیاد نخستین گام‌ها به سمت گسترش هر چه بیشتر روند شکل‌گیری اتحادیه پولی جنوب شرقی آسیا محسوب می‌شود. از لحاظ نظری ابتدا کشورهایی که در زمینه‌های مختلف شبیه هم هستند، با یکدیگر ادغام و یکپارچه می‌شوند سپس اقتصادهایشان با یکدیگر هماهنگ و سازگار خواهد شد. در نتیجه این‌چنین پیوندهایی، زیربنایی حاصل خواهد شد که شکل‌گیری اتحادیه پولی از پی‌آمدهای آن خواهد بود. درحقیقت، این همان برنامه پیشنهادی آقای تسانگ است که در اکتبر سال ۱۹۹۹ اعلام کرده بود: «هنگ‌کنگ و سنگاپور در حال بررسی و مطالعه این طرح هستند که یک پول واحد را در مناسبات اقتصادی خود به کار گیرند و این طرح بعدها می‌تواند تعمیم یافته و از آن در سرتاسر آسیا نیز استفاده شود.»

اکنون در تعداد زیادی از کشورهای جنوب شرقی آسیا بسیاری از مبادلات بر مبنای دلار آمریکا صورت می‌گیرد. در اغلب این کشورها پول ملی‌شان به نوعی به دلار آمریکا وابسته است و لازم است این وابستگی قبل از شکل‌گیری اتحادیه پولی آسیا کاهش یابد. علاوه بر این، تعرفه‌ها و سخت‌گیری‌ها در خصوص جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی باید کاهش یافته و قوانین مربوط به مهاجرت و کار نیز تعدیل شود. به منظور تدوین یک برنامه

واقع‌گرایانه، دولت‌های منطقه باید مجموعه‌ای از معیارهای لازم برای هم‌گرایی را مدنظر قرار دهند، نظیر معیارهایی که به هنگام به جریان افتادن یورو در پیمان ماستریخت مورد توجه قرار گرفت.

این معیارها باید به گونه‌ای باشد که در خصوص سطح بدهی‌های عمومی، نرخ تورم و نرخ بهره کوتاه‌مدت توافق وجود داشته باشد.

از همه مهم‌تر این‌که اگر شرق آسیا به سمت ایجاد اتحادیه پولی گام بردارد، نیازمند آن است که یک کشور قدرتمند پول خود را به عنوان لنگر پولی قرار دهد و در ابتکار عمل‌ها پیشگام باشد. ناظران، کشور سنگاپور را برای ایفای چنین نقشی پیشنهاد می‌کنند زیرا پول ملی این دولت شهر، یکی از با ثبات‌ترین پول‌های رایج در منطقه به شمار می‌آید. همچنین مقامات پولی سنگاپور دید بسیار وسیعی داشته و به طور فوق‌العاده‌ای هوشیار و کارآمد هستند. به هر حال مقامات دولتی این کشور مدت‌های مدیدی در مقابل بین‌المللی شدن پول ملی خود مقاومت کرده بودند. بعلاوه سنگاپور با برخورداری از جمعیتی در حدود ۴ میلیون نفر در عین حال که کشور کوچکی محسوب می‌شود، ولی از لحاظ سیاسی و اقتصادی نقش موثری در منطقه ایفا می‌کند.

نه ژاپن و نه چین که هر کدام اقتصاد بزرگی در منطقه محسوب می‌شوند، احتمالاً در این مسیر پیشگام نخواهند بود. اقتصاد چین از مشکلاتی چون رشد اقتصادی آرام، تورم لجام گسیخته و سطح بالای بیکاری رنج می‌برد. همچنین «یوان» چین به آسانی قابلیت تبدیل ندارد. اقتصاد ژاپن ممکن است از لحاظ ساختاری بسیار استوار به نظر برسد اما عملکرد این کشور در اواخر دهه ۱۹۹۰ بسیار تأسف‌آور می‌باشد. سرانجام علیرغم علاقمندی دیرینه توکیو برای بین‌المللی کردن «ین»، تلاش‌های این کشور موثر نخواهد بود.

در آرزوی بلوک یین:

بین‌المللی شدن یین نه تنها به نفع بازرگانان و بانک‌های ژاپنی است بلکه از لحاظ سیاسی نیز برای این کشور پیشرفتی قابل توجه به شمار می‌رود. کاهش ریسک نرخ مبادله ارزی کمک می‌کند تا عملیات مربوط به همکاری‌های چند ملیتی بسیار پرمفعت باشد. زمانی که استفاده از یین در مبادلات سرتاسر منطقه گسترش یابد، ژاپن به عنوان یک قدرت اقتصادی بین‌المللی جلوه گر خواهد شد. از اوایل دهه ۱۹۸۰ توکیو تلاش بسیاری نموده تا یین را در فراسوی مرزهایش تقویت نماید. به هر حال به علت این که ساختار نظام‌های مالی جهان بر پایه دلار می‌باشد، انگیزه‌های کمتری برای کشورهای جهان - حتی منطقه شرق آسیا - وجود دارد که اساساً از یین در مبادلاتشان بهره گیرند.

علیرغم چنین چالش‌هایی، وزارت دارایی ژاپن طی ابتکار عمل‌هایی تلاش‌های جدیدی به عمل آورد تا در سال ۱۹۹۸ یین را به عنوان پول بین‌المللی معرفی نماید. بدین منظور کمیسیون ویژه‌ای به منظور ارائه توصیه و رهنمود برای تحقق اهداف و ارائه گزارش‌ها تاسیس شد. در نتیجه، گسترش یین به یک هدف سیاسی برای دولت نخست‌وزیر وقت ژاپن "کیزو اوبوچی"^۱ تبدیل شد و کاملاً در دستور کار سیاست خارجی این کشور قرار گرفت. در اکتبر سال ۱۹۹۸ وزیر دارایی ژاپن "کیچی میازاوا"^۲ مبلغ ۳۰ میلیارد یین به منظور کمک به بهبود اقتصادی کشورهای شرق آسیا و رهایی از بحران مالی سال ۱۹۹۷ اختصاص داد. این راهبرد که به "برنامه میازاوا"^۳ معروف شد، به منظور گسترش اعطای وام‌های کم بهره^۴ به دولت‌های دارای کمبود نقدینگی تدوین شده بود و مقامات ژاپنی

۱. KEIZO OBUCHI
 ۲. KIICHI MIYAZAWA
 ۳. MIYAZAWA PLAN
 ۴. SOFT CREDIT

امیدوار بودند در پناه این برنامه و از طریق تزریق فراوان ین و یا «وام‌های مبتنی بر ارزش اسمی ین»^۱ بتوانند حضور فیزیکی پول ملی خود را در بازارهای مالی منطقه شرق آسیا گسترش دهند. براین اساس، کشورهای شرق آسیا نه تنها عادت می‌کردند در مبادلاتشان از «ین» استفاده کنند بلکه این امر خود انگیزه‌ای بود تا دارایی‌های مبتنی بر ین همانند بدهی‌های مبتنی بر «ین» رو به افزایش نهد.

بدین ترتیب، رهبران ژاپنی به گسترش استفاده از پول ملی‌شان در اجلاس‌های چند جانبه و سفرهای خارجی خود همت گماشتند. آقای اویوچی در ژانویه سال ۱۹۹۹ و در خلال مسافرتش به قاره اروپا شروع به تمجید و تحسین رژیم‌های ارزی سه قطبی بر پایه دلار، یورو و ین نمود. در اجلاس ماه مه بانک توسعه آسیایی، آقای میازاوا با همتایان چینی، کره جنوبی و کشورهای «آسه‌آن» دیدار و گفتگو کرد تا استفاده از ین را در مبادلات و سرمایه‌گذاری‌ها گسترش بخشد. سپس در آوریل سال ۱۹۹۹ طی اجلاسی در خصوص تاثیر یورو "ایسوکه ساکاکای بارا" معاون امور بین‌الملل وزارت دارایی ژاپن پای‌بندی سرزمین آفتاب تابان را به ایجاد یک سری تلاش‌های تمام عیار به منظور اصلاح نظام مالی این کشور و به منظور گسترش جنبه‌های بین‌المللی ساختن ین اعلام نمود.

یک دلیل عمده که نقش ین در اقتصاد جهانی همچنان محدود باقی مانده این است که به طور نسبی تحت سیطره بخش مالی توسعه نیافته ژاپن قرار داشته است. به منظور بهبود کارایی و افزایش قابلیت‌ها و ارتقای جایگاه بازارهای مالی این کشور، توکیو در آوریل ۱۹۹۸ به ابتکار عظیمی در زمینه مقررات‌زدایی و رفع محدودیتها دست زد. یکی از قابل توجه‌ترین و مهم‌ترین تغییرات این بود که سختگیری‌ها و محدودیت‌ها در خصوص حساب سرمایه رفع شد. توکیو همچنین طیفی از ابزارها و انگیزه‌های مالی را معرفی کرد تا از این طریق بتواند

نرخ بهره بین‌المللی را به سمت سرمایه‌گذاری‌هایی که برحسب این صورت گرفته جلب نماید. از آن جمله می‌توان به ابزارهایی که دامنه سررسید اوراق قرضه را وسیع‌تر می‌نماید، هزینه‌های مبادلاتی و مالیات‌ها را کاهش می‌دهد و کارایی فرایند تسویه حساب‌ها را افزایش می‌دهد، اشاره نمود.

به هر حال اصلاحات بخش مالی، تشویق‌های مقامات رسمی و برنامه‌های اهدای کمک بر پایه این هیچیک نتوانستند تفوق این در منطقه را برای ژاپنی‌ها به ارمغان آورند. زیرا بسیاری از پول‌هایی که به برنامه میزآوا اختصاص یافته بود صرف نزدیکی و همبستگی بیشتر ژاپنی‌ها در شرق آسیا گردید و به عنوان وجوهی برای بازپرداخت بدهی‌های دلاری، هزینه شد. این امر نشان می‌دهد که بخش عمده استقراض‌ها به دلار بوده است. علاوه بر این، تلاش‌های توکیو تغییرات ناچیزی را به دنبال داشت چون که هنوز هم بسیاری از مبادلات منطقه بر پایه دلار انجام می‌گیرد. گرچه صادرات ژاپن به کره جنوبی (بر پایه این) در هفت ماهه نخست سال ۱۹۹۹ معادل ۵/۹ درصد افزایش نشان می‌دهد ولی چنین پیشرفت‌هایی چندان چشمگیر نیستند که بتوانند در کانون توجهات قرار گیرند چرا که در حال حاضر ۹۰ درصد مبادلات بازرگانی کره جنوبی بر پایه دلار صورت می‌گیرد.

موانع متعددی نیز هستند که از استفاده گسترده‌تر «ین» در شرق آسیا ممانعت به عمل می‌آورند: ۱- «ین» در مقایسه با دلار و یورو به عنوان یک پول فرعی محسوب می‌شود و کارکرد آن در مبادلات ارزی به عنوان یک واسطه جهانی محدود است. به عبارت دیگر بخش اعظم جریانات سرمایه بین‌المللی شرق آسیا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مبادلات و کمک‌ها از طریق دلار تامین می‌شوند. ۲- قسمت اعظم ذخایر ارزی کشورهای منطقه به دلار است. بنابراین استفاده از ین نه تنها موجب دردسر است بلکه توأم با ریسک پولی نیز می‌باشد. ۳- ارزش «ین» دایما^۱ و به طور گسترده‌ای در حال نوسان است. بنابراین جذابیت

آن به عنوان ذخیره ارزش ناچیز است. در دهه ۱۹۹۰ نرخ برابری بین مقابل دلار در سطح ۸۰ بین در برابر یک دلار و ۱۵۰ بین در مقابل یک دلار متغیر بود. ۴- اقتصاد ژاپن در خلال دهه گذشته اساساً در حالت رکود و ایستایی قرار داشته و کاهش فزاینده قدرت اقتصادی این کشور، بالا رفتن ابهامات در خصوص اعتبار بانک مرکزی ژاپن را به دنبال داشته است. ۵- علیرغم این که مقامات توکیو از دیر باز آرزوی بین‌المللی شدن این را در سر می‌پروراندند ولی همواره فقدان حمایت قدرتمند داخلی از این سیاست مشهود بوده است. تردیدهای داخلی همواره محل ثبات و آرامش و تلاش‌های هماهنگ جمعی برای به‌کارگیری تدابیر لازم جهت گسترش این بوده است. ۶- سرانجام این که عوامل سیاسی منطقه‌ای ممکن است بزرگترین موانع در جهت شکل‌گیری هر نوع قلمرو بالقوه بین محسوب شوند. بیشتر کشورهای شرق آسیا از بابت رهبری ژاپنی‌ها احساس نگرانی می‌کنند. چین عمیقاً به ژاپن سوءظن دارد و هیچگاه اجازه نخواهد داد ژاپنی‌ها بر اقتصاد منطقه تسلط یابند. کره جنوبی نیز موضع‌گیری احساسی مشابهی نسبت به این مسئله دارد و در برابر برنامه‌هایی که با هدف تسلط این بر پول‌های رایج منطقه تدوین می‌شوند، مقاومت خواهد کرد.

به عبارت دیگر، حمایت محدود از حوزه بین توسط کشورهای دیگری صورت خواهد گرفت. مثلاً در اکتبر گذشته آقای تسانگ وزیر دارایی هنگ‌کنگ علیرغم ملاحظات و قید و بندهایی که ممکن بود از سوی سایر کشورهای منطقه اقامه شود، پیشنهاد ایجاد یک اتحادیه پولی در شرق آسیا را ارائه نمود که بر پایه این ژاپن استوار بود. او تأکید کرد کلیه پیش‌داوریه‌های سابق را بایستی کنار نهاد. در فوریه سال ۲۰۰۰ نیز وزیر تجارت بین‌المللی و صنایع مالزی "داتو سری رفیده عزیز"^۱ با نمایندگان بالغ بر ۷۰۰ شرکت ژاپنی ملاقاتی به عمل آورد و به حمایت کشورهای «آسه‌آن» برای بین‌المللی شدن این اشاره کرد. او همچنین

عنوان نمود: شاید ژاپن آمادگی لازم برای گسترش حوزه استفاده از پول ملی خود را نداشته باشد. بنابراین یک توافقنامه چند جانبه که هدفش استفاده از ین می‌باشد، باید در درجه اول وابستگی کشورهای شرق آسیا به دلار را کاهش و سرانجام آنها را به سمت شکل‌گیری پول واحد آسیایی سوق دهد. فراتر از همه اینها، توکیو از سطح ناچیز حمایتها آگاه و مطمئن است اما اگر موانع سیاسی و اقتصادی رفع شوند، تحقق ایده حوزه ین در شرق آسیا چندان دور از دسترس نیست.

نتیجه‌گیری:

طی چند سال گذشته، ایجاد اتحادیه پولی آسیایی غیر محتمل بوده اما سیستم پولی بین‌المللی زمینه را برای پذیرش تغییرات مهمی هموار ساخت که رهبران مالی را مجبور ساخت نگاه جدی‌تری به آن بیندازند. ایده‌ای که اندکی قبل عجیب و غریب می‌نمود.

در سال ۱۹۹۹ چشم‌انداز ایجاد اتحادیه پولی شرق آسیا برای نخستین بار در دستور کار مذاکرات منطقه‌ای قرار گرفت و بحث و بررسی‌ها در این خصوص آغاز شد. بنابراین برداشت‌های سطحی و نیز برداشت‌های درست و یر محتوای زیادی را هم به دنبال داشت. مفهوم اتحادیه پولی شرق آسیا، ایده جدیدی نیست اما در فاصله زمانی کمتر از یکسال از یک مفهوم "خنده‌دار" به "یک هدف راهبردی ممکن" تبدیل شده است.

البته موانعی بر سر راه تحقق این ایده وجود دارند که چیره شدن بر آنها دشوار است. نظام‌های اقتصادی و سیاسی غیرهمگون، مناقشه‌های حل نشده ارضی و خصومت‌های فرهنگی، تلاش‌های به عمل آمده در پیشرفت همکاری‌های منطقه‌ای را خنثی می‌کند و این تلاش‌ها را به سطح حداقل تلاش‌ها برای شکل‌گیری اتحادیه پولی تنزل می‌دهد. به هر حال، منافع عمده‌ای همچون "ثبات" رهبران منطقه را تشویق می‌کند تا در جهت نیل به هم‌گرایی اقتصادی تلاش نمایند. اگر یک اتحادیه پولی تمام عیار در بلند مدت جامه تحقق پوشد و

جنبه حقیقت به خود گیرد، قطعاً "آهنگی آهسته و تدریجی خواهد داشت. یک سناریو پیشنهاد می‌کند در ابتدا تعدادی از کشورها که از هماهنگی و سازگاری لازم برخوردارند، در جهت هماهنگ ساختن نظام‌های اقتصادی خود تلاش کنند و پول‌های ملی خود را به هم پیوند دهند. بدین ترتیب این هم‌گرایی حالت "توده‌ای" داشته سپس این کشورها به همراه سایر کشورهای منطقه، اتحادیه پولی شرق آسیا را شکل دهند.

این فرایند چند سال به طول خواهد انجامید؟ برآورد می‌شود حدود ۲۰ الی ۵۰ سال. به هر حال، گام‌های مهمی همچون توسعه هم‌گرایی توده‌ای می‌تواند در طول ۳ الی ۱۰ سال بعد رخ دهد ولی مطمئن باشید بحث‌های کنونی هنوز در مراحل آغازین خود قرار دارند اما سطح فعلی علایق هم‌جهش چشم‌گیری نسبت به چند سال گذشته محسوب می‌شود. برای اولین بار، در اگوست سال ۱۹۹۹ و در کنفرانس مالزی افکار عمومی از موضع‌گیری رهبران منطقه‌ای در خصوص این موضوع آگاه شدند. شرکت‌کنندگان تایید کردند ایجاد اتحادیه پولی شرق آسیا "بلندپروازی"^۱ و اندیشه‌ای وقت‌گیر است. به هر حال آنان نتیجه گرفتند گام‌های مقدماتی در این زمینه برداشته شده است و باید با خوشبینی همراه با احتیاط به چشم‌انداز آینده اتحادیه نگریست.